



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واکاوی ماهیت کارویژه اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در حقوق ایران

سیدهای منتظری^۱

چکیده

در طول تاریخ، جهت ایجاد تعامل و ارتباط بین حکومت و امپراطوری‌های باستان، رسوم خاصی برقرار بوده است. این رسوم شامل فرستادن پیک به صورت سواره یا پیاده که معمولاً با یک درفش سفید که حاکی از پیک یا حاوی پیام بوده، انجام می‌شد. این روش که در قلمرو یک امپراطوری یا سرزمین دیگر بود و آغاز مذاکره را نشان می‌داد، در ادبیات حقوق بین‌الملل دارای شیوه ارتباطات و یک آیین ویژه است تا جایی که این شیوه ارتباطات در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین به شکل یک آیین و پروسه بین‌المللی ذیل عنوان حقوق بین‌الملل تدوین شد. در ماده ۹ قانون مدنی ایران نیز منصوص است معاهداتی که ایران با دیگر کشورها منعقد می‌نماید، بعد از گذراندن یک روند قانونی، در حکم قانون بوده و قابل اجرا می‌باشند. همان‌طور که مستحضرید به لفظ قانون در ماده مشارالیه تصریح شده که اشاره به اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد؛ لذا در این مقاله، به کارویژه اصول یادشده و این‌که اساساً یک معاهده و کنوانسیون بین‌المللی به چه سیاقی در قانون داخلی پذیرفته

۱. دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل عمومی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

می‌شود، نگاهی خواهیم داشت. این‌که قانون‌گذار ایرانی چه معاهداتی را مورد پذیرش قرار داده و آیا این معاهدات در قانون داخلی شکل اجرایی و ضمانت اجرای کافی دارند یا خیر و این‌که نحوه انجام آن‌ها به چه صورت است و آیا این مقررۀ تأثیری بر دیگر قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی ایران دارد یا خیر؟

کلمات کلیدی: قانون اساسی، حقوق معاهدات، نظام حقوقی ایران، موافقت‌نامه، تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

مسائل مربوط به معاهدات و آیین انعقاد آن در همه نظام های حقوقی پذیرفته شده از جمله نظام های کنفسیوس، رومی ژرمنی، اسلامی و آنگولاساکسون مورد بررسی قرار گرفته است. مذاکره، آیین نگارش، امضا و تصویب، ثبت در سازمان ملل و بحث اجرا و احتمالاً پروتکل های اجرایی و ضمایم نیز از مراحل انعقاد یک معاهده بین المللی می باشند که در این مجال می خواهیم به بحث تصویب پردازیم. البته این تصویب از مسائل حقوقی داخلی کشورها نشأت می گیرد. یعنی هر کشوری بسته به نظام داخلی حقوقی خویش، پروسه و آیین مختص به خود را برای تصویب به کار می گیرد.

مضاف این که تا معاهده ای تصویب نشده و این تصویب اعلام نگردد (به طرف یا اطراف مقابل در معاهدات دو یا چندجانبه یا اعلام به سازمان های بین المللی یا سازمان ملل)، شکل اجرایی به خود نمی گیرد. در واقع به نوعی با اعلام تصویب معاهده، طرف اعلام کننده خود را ملزم به اجرای معاهده می داند و در حقیقت برای خود الزام به وجود می آورد. معاهده ای که برای انعقاد آن مذاکره صورت گرفته، ضمایم امضا شده و پروتکل های الحاقی آن نیز (بخش تخصصی معاهده) باید امضا شده و تصویب گردد و تا زمانی که این تصویب اعلام نشود، معاهده شکل اجرایی (performance) به خود نمی گیرد و مسئله ثبت نیز سالبه انتفاء موضوع می شود.

در این مکتوب می خواهیم به تصویب معاهدات در نظام حقوقی کشور خودمان و همچنین به بررسی اطراف معاهده اعم از اشخاص و قوای سه گانه مقننه، مجریه و قضاییه پردازیم.

۱- تصویب معاهدات در نظام حقوقی ایران

به موجب اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قرارداد و موافقت نامه های بین المللی میان دولت ایران با سایر دولت ها (کشورها) و همچنین پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند و سپس رئیس جمهور یا نماینده قانونی او، آن ها را امضا کند. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی)

قاعده مذکور مبین آن است که کلیه معاهدات بین المللی، تحت هر عنوان که باشند، باید مورد تصویب مجلس قرار بگیرند، اما بر اساس نظریات تفسیری شورای نگهبان از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی در سال های ۱۳۶۰، ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ و نیز مطابق آیین نامه «نحوه تنظیم و انعقاد توافقی های بین المللی» مصوب ۷۱/۲/۱۳ هیأت وزیران، معاهدات زیر با عنوان «توافقی های حقوقی ساده» (در



مقابل توافقی‌های حقوقی تشریفاتی که مستلزم تصویب مجلس هستند)، خارج از شمول تصویب مجلس بوده و به امضای وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه مستقل دولتی یا مقامات صلاحیت‌دار از سوی آنان، قداست و اعتبار حقوقی می‌یابند.

این‌گونه توافقی‌ها عبارتند از: (ماده ۱)

۱) قرارداد جزئی (در مقابل معاهدات اصلی).

۲) توافق حقوقی متضمن برنامه همکاری.

۳) توافق حقوقی که مجوز انعقاد آن قبلاً حسب مورد یا موضوع از سوی مجلس صادر شده باشد.

(اجازه مقدم)

۴) معاملات قراردادی که موضوع آن‌ها خرید و فروش کالا، حقوق و خدمات باشد. (در چارچوب

بودجه سالیانه دستگاه دولتی طرف معاهده و در حدود اختیارات محول با رعایت ضوابط قانونی)

نظریات تفسیری شورای نگهبان و مواد ۱ و ۲ و آیین‌نامه یاد شده در بالا که تا حدود زیادی الهام گرفته از آن نظریات تفسیری است، مورد انتقاد جدی قرار گرفته، زیرا اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی با صراحتی که در عباراتشان وجود دارد، به هیچ وجه قالب تفسیر ندارند، به ویژه اگر به صورت مذاکرات مجلس در خصوص بررسی نهایی قانون اساسی (مجلس مؤسسان قانون اساسی) مراجعه شود، انتقاد جدی‌تر جلوه می‌کند. در مجموع چنین به نظر می‌رسد که تصویب کلیه معاهدات به جز از طریق مجلس، خلاف قانون اساسی است.

۲- نقش شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام

در صورتی که مجلس شورای اسلامی معاهده‌ای را به تصویب برساند، باید آن را مانند سایر مصوبات خود، جهت تأیید انطباق آن با قانون اساسی و موازین حقوقی (حقوق موضوعه) و اسلامی، به شورای نگهبان ارسال کند و اگر شورای مذکور آن را مغایر تشخیص داد، جهت تطبیق به مجلس عودت می‌دهد.

(اصل ۹۴ قانون اساسی: کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود. شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند، برای تجدیدنظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجراست.)



در این وضعیت، مجلس می تواند نظر شورای نگهبان را به منظور رفع مغایرات به دولت ابلاغ کند یا اگر اصرار به مصوبه پیشین خود داشته باشد، موضوع را به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع دهد. در این صورت، مجمع با در نظر گرفتن مصلحت نظام، نظر مجلس یا شورای نگهبان را تأیید کرده و مصوبه را جهت انجام اقدامات بعدی به مجلس برمی گرداند.

۳- امضای نهایی معاهدات

به موجب اصل ۱۲۵ قانون اساسی و ماده ۱۱ آیین نامه نحوه تنظیم و انعقاد توافقات بین المللی، امضای نهایی معاهدات، پس از تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان، به عهده مقام ریاست جمهوری یا نماینده قانونی اوست که از طرف وی و برحسب موضوع به طور کلی یا موردی تعیین می شود. اکنون پرسشی که مطرح می شود این است که آیا رئیس جمهور می تواند از امضای معاهدات خودداری کند؟ در پاسخ به این سؤال اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه غالب که درست هم به نظر می رسد، این است که امضای نهایی رئیس جمهور در اجرای اصل ۱۲۳ آن قانون متفاوت است، زیرا امضای رئیس جمهور، مطابق اصل ۱۲۵، بخش تجزیه ناشدنی انسجام معاهده است که بدون انجام آن، اساساً معاهده ای منعقد شده تلقی نمی شود تا احیاناً با خودداری رئیس جمهور از انجام آن، رئیس مجلس شورای اسلامی بتواند در اجرای ماده ۱ قانون مدنی (تبصره آن) از اختیار خود استفاده نکند. در واقع مقرر مذکور زمینه اجرای اصل ۱۲۳ را فراهم کرده و ارتباطی با اصل ۱۲۵ ندارد.

اصل ۱۲۳: رئیس جمهور موظف است مصوبات مجلس یا نتیجه همه پرسی را پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ بدوی امضا کند و برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد.

اصل ۱۲۵: امضای عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت ها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی است.

اصل ۷۷: عهدنامه ها، مقاوله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. این اصل ناظر به نظارت استصوابی است.

ماده ۱ قانون مدنی: مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی نیز موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، آن را منتشر نماید.



تبصره: در صورت استتکاف رئیس‌جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مقرر در این ماده، به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت، مصوبه را چاپ و منتشر نماید. (قانون مدنی)

۴- آثار معاهدات نسبت به طرف‌های معاهده

الزام به اجرای معاهدات، صرف‌نظر از این‌که در مناسبات متقابل کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی معاهده وجود دارد، در داخل آن‌ها نیز مشاهده می‌شود. از جمله الزام‌آور بودن هر معاهده برای حکومت هر کشور معاهدات یا ارکان هر سازمان بین‌المللی معاهدات و حتی اشخاص عادی یا خصوصی (اعم از حقیقی یا حقوقی) مقیم در کشورهای معاهده به‌گونه‌ای است که عدم اجرا یا اجرای خلاف آن معاهده ممکن است موجبات مسئولیت بین‌المللی کشور یا سازمان بین‌المللی مربوط را فراهم آورد. عهدنامه‌های حقوقی معاهدات با بیان این‌که اصولاً هر معاهده، از یک سو هر یک از کشورهای طرف آن را در کل قلمرواش ملتزم می‌کند و از سوی دیگر، بر اصل نسبی بودن معاهدات تأکید می‌ورزد، آثار معاهدات را نسبت به طرف‌های معاهده تبیین می‌کند. (بیگلی، ۱۳۸۱: ۹۵)

بنابراین در این قسمت، ابتدا به بررسی آثار معاهدات نسبت به حکومت و سپس آثار آن‌ها نسبت به اشخاص عادی پرداخته می‌شود، اما در مورد آثار معاهدات نسبت به ارکان سازمان‌های بین‌المللی، چون موضوع متضمن مطلب خاصی نیست، از آن صرف‌نظر می‌شود.

۴-۱- آثار معاهدات نسبت به حکومت

۴-۱-۱- آثار معاهدات نسبت به قوه مجریه

طبق عقیده اغلب علمای حقوق، معاهدات به خودی خود از منابع حقوق داخلی محسوب نمی‌شوند، زیرا معاهده تعهدی است که کشوری در قبال کشور دیگر بر عهده می‌گیرد و قاعده‌ای است که کشورها باید رعایت کنند و آن را به شیوه مناسب به مرحله اجرا گذارند. از این رو کشورها به ملاحظات عملی بیش از دلایل منطقی حقوقی توجه کرده و با وضع و صدور قاعده‌ای حقوقی و سندی داخلی (قانون، فرمان و غیره)، معاهدات بین‌المللی را به صورت مقررات داخلی درمی‌آورند. این عمل در زمره وظایف قوه مجریه هر کشور است و هدف از آن ایجاد الزام حقوقی برای معاهدات بین‌المللی در کشورهای طرف معاهده همچون قواعد حقوق داخلی است. آنچه این ضرورت را توجیه می‌کند، تنها تشریفات و آیینی است که قوه مجریه با انجام آن، کلیه ارکان حکومتی و غیر حکومتی و افراد عادی



مقیم در قلمرو کشور متعاقد را از انعقاد آن آگاه ساخته و دستور اجرای آن را می دهد. در این رابطه، کشورها روش های متفاوتی را برگزیده اند که عموماً مشابه روشی است که در مورد شیوه اجرای قوانین عادی وجود دارد. از جمله در ایران، رسمیت یافتن معاهدات منوط به امضای رئیس جمهور یا نماینده قانونی وی و انتشار آن ها در روزنامه رسمی کشور و سپری شدن مواعد قانونی است. (در این صورت معاهدات بعد از ۱۵ روز در ایران لازم الاجرا می شوند.)

۴-۱-۲- آثار معاهدات نسبت به قوه مقننه

قوه مقننه همچون سایر قواعد حکومتی موظف است معاهدات را پس از لازم الاجرا شدن و در چارچوب صلاحیت قانونی خود به مرحله اجرا بگذارد. دامنه اجرای معاهدات توسط قوه مقننه معمولاً به اتخاذ تدابیر قانونی برای قابلیت اجرایی یافتن بهتر معاهدات در داخل کشورهای متعاقد محدود می شود. مسلماً رعایت معاهدات از سوی کشورها، زمانی بهتر تضمین خواهد شد که آن ها در سطح داخلی، تدابیر مؤثری اتخاذ کنند و این امر عمدتاً به عهده قوه مقننه است. برخی از این تدابیر عبارتند از: «تصویب قوانین جدید، نسخ قوانین موجود، اصلاح و تجدیدنظر در قوانین موجود و گشایش اعتبارات لازم مالی برای اجرای بهتر معاهدات.»

مثال: تصویب حق عضویت سازمان های بین المللی که متأسفانه مجالس قانون گذاری همیشه متوجه اهمیت این وظیفه نبوده و گاهی از تصویب قوانین لازم برای اجرای معاهدات سرباز زده اند.

۴-۱-۳- آثار معاهدات نسبت به قوه قضاییه

مقامات قضایی داخلی هر کشور اعم از دادگاه های مالی یا غیر آن ها، دادرها و امثالهم، موظف به اجرای معاهداتی هستند که کشور متبوعشان نسبت به آن ها ملتزم شده است. اجرای معاهدات از سوی قوه قضاییه هر کشور متعاقد، معمولاً در مأموریت کلی گفتن حق از ناحیه آن قوه نهفته است، زیرا هنگامی که معاهده ای وارد نظام داخلی می گردد، مانند سایر قواعد حقوقی در نظم حقوقی که طبق وظیفه طبیعی و عادی خود، اجرای آن ها را تضمین می کنند، جذب می شود.

بدیهی است مراجع قضایی داخلی تنها در دعاوی معدودی که مربوط به صلاحیت آن هاست، معاهدات را باید مدنظر قرار داده و در صورت لزوم از جمله در دعاوی بیگانگان و نقض حق موجود در معاهدات، مستند احکام خود سازند.



در مقابل، قوه قضاییه هیچ کشوری صلاحیت رسیدگی به دعاوی و اختلافات کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را در قبال یکدیگر ندارند، زیرا اصل مصونیت کشورها و سازمان‌های بین‌المللی او را از انجام این عمل بازمی‌دارد.

۲-۴- آثار معاهدات نسبت به اشخاص عادی

اعمال اصل حسن نیت در اجرای تعهدات قراردادی موجب می‌شود که معاهداتی به نظم حقوقی داخلی تحمیل و وارد شوند و متضمن حقوق و تکالیفی برای اشخاص عادی باشند.

این‌که معاهده بتواند دارای چنین اثر اجرایی نسبت به اشخاص عادی باشد، به قصد و نیت طرف‌های معاهده بستگی دارد. در این مورد دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در نظریه مشورتی مورخ ۳ مارس ۱۹۲۸ یادآور می‌شود که: «موضوع هر موافقت‌نامه بین‌المللی، با توجه به قصد طرف‌های متعاقد، پذیرش قواعدی است که می‌تواند تعیین‌کننده مشخص و ایجادکننده حقوق و تکالیف برای اشخاص باشد و بدین لحاظ باید توسط دادگاه‌های داخلی اجرا شود.»

شناسایی حقوق و تکالیف برای اشخاص عادی (اعم از حقیقی و حقوقی) مقیم کشورهای متعاقد، معمولاً مستلزم فرایند خاص و عبور این‌گونه تعهدات قراردادی از طریق حقوق داخلی آن کشورها است.

(عنایت، ۱۳۷۸: ۶۸)

۳-۴- آثار معاهدات نسبت به ثالث

در حقوق بین‌الملل موضوعه، اصل بر این است که معاهدات تنها طرف‌های خود را نسبت به یکدیگر ملتزم می‌کنند و باید توسط آن‌ها اجرا شوند. (ماده ۲۶ عهدنامه‌های حقوق معاهدات) به بیان دیگر، معاهدات فقط در قبال طرف‌های متعاقد دارای آثار حقوقی هستند و این قاعده را اصل نسبی بودن معاهدات می‌نامند. مفهوم مخالف این اصل آن است که معاهدات نمی‌توانند غیرمتعاقدین یا ثالث را ملتزم کنند. ماده ۳۴ عهدنامه‌های حقوق معاهدات، با بیان این نکته که یک معاهده نمی‌تواند بدون رضایت ثالث برای او حقوق و تعهداتی به وجود آورد، اصل نسبی بودن معاهدات را تدوین نموده است. (کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین)

۵- استثنای اصل نسبی بودن معاهدات

تائید اصل نسبی بودن معاهدات، نفی‌کننده استثنای وارد بر آن‌ها نیست. معاهدات می‌توانند دارای آثار مفیدی برای ثالث باشند، اما در مقابل، امکان دارد تعهدات و الزاماتی نیز به کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی ثالث تحمیل نمایند.



اما مقصود از ثالث کیست؟ در معاهدات دوجانبه پاسخ بسیار آسان است، زیرا غیر از دو طرف متعاقد، سایرین ثالث محسوب می شوند، اما در معاهدات چند جانبه، پاسخ اندکی پیچیده است. زیرا در این گونه معاهدات، ممکن است ثالث، کشور یا سازمانی بین المللی باشد که حق دارد طرف معاهده واقع شود، اما هنوز از این اختیار خود استفاده نکرده است. طبق عهدنامه های حقوق معاهدات (ماده ۲)، مقصود از ثالث، کشور یا سازمان بین المللی است که طرف معاهده یا طرف متعاقد محسوب نمی شود، اعم از این که حق عضویت در معاهده را داشته، اما هنوز از آن استفاده نکرده یا به طور کلی فاقد چنین حقی است.

در مجموع، استثنای اصل نسبی بودن معاهدات را می توان با توجه به نوع معاهدات به این صورت تفکیک نمود: «معاهدات موجد حق برای ثالث (تعهد به نفع ثالث)، معاهدات موجد تکلیف برای ثالث (متعهد به ضرر ثالث) و در نهایت آثار معاهدات قانون ساز و کارهای خاص.»

۶- تصویب معاهدات بین المللی

تصویب یا Ratification عبارت است از تائید و اعلام موافقت قطعی مقامات صالحه یک کشور نسبت به امضای یک معاهده توسط نمایندگان دولت؛ لذا تصویب معاهده موجب التزام نهایی کلیدی قوای مملکتی نسبت به اجرای مندرجات معاهده می باشد و بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب و تصدیق حقوق معاهدات با تصویب مجلس شورای اسلامی و تائید شورای نگهبان و امضای رئیس جمهور تحقق می یابد.

تصویب معاهدات بدان جهت ضرورتی غیر قابل انکار می باشد که اولاً مقامات دو کشور پس از امضای مقدماتی، با فرصت و تعمق بیشتر می توانند مجدداً معاهده را بررسی کرده و مزایای آن را مورد ملاحظه قرار دهند. در این رابطه ممکن است حتی مسئولین دولتی تغییر کرده باشند یا افکار عمومی جامعه برداشتی غیر از نظرات قوه مجریه در مورد معاهده مزبور داشته باشد.

این موضوع در زمان نبوت پیامبر نیز به وقوع پیوسته و در معاهداتی نیز که در زمان فتحعلی شاه بین ایران و روسیه منعقد شد، صریحاً تشریفات تصویب معاهده پیش بینی شده بود. در معاهده گلستان بین ایران و روسیه تزاری مورخ ۱۲۲۸، (۲۱ اکتبر ۱۸۱۳)، در فصل ۱۱ آمده است: «عهدنامه حاضر که از وکلای مختار دولتین مزبور تصدیق و با خط و مهر مختوم گردیده و با یکدیگر مبادله شده است، می بایست از طرف اعلی حضرت امپراطور اکرم کل ممالک روسیه به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد.»



شبهه همین مقررات در فصل ۱۶ معاهده ترکمن‌چای مورخ ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ نیز دیده می‌شود. قانون اساسی سابق ایران مورخ ۱۳۴۲ قمری (اصل ۲۲)، صلاحیت تصویب قوه مقننه در تصویب معاهدات را عام ندانسته و فقط بر معاهداتی که باید به تصویب برسد تصریح کرده و گفته مواردی که قسمتی از عایدات یا دارایی دولت منتقل یا فروخته می‌شود یا در حدود و ثغور مملکت تغییر ایجاد می‌شود، بنا به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل ۲۴ قانون اساسی سابق نیز تصریح نموده که بستن عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌ها و اعطای امتیازات باید به تصویب شورای ملی برسد. به استثنای عهدنامه‌هایی که استتار آن‌ها به صلاح دولت و ملت باشد. اصل ۵۲ متمم قانون اساسی سابق مورخ ۱۳۲۵ نیز اعلام نموده: «در خصوص استتار عهدنامه‌ها بر اساس اصل ۲۴ قانون اساسی بعد از رفع محذور و با اقتضاء منافع و امنیت ملی با توضیحات لازم از طرف پادشاه باید به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.»

۷- اعتبار و اهمیت تصویب معاهده بر اساس حقوق بین‌الملل معاصر

رویه قضایی محاکم بین‌المللی هرگونه معاهده‌ای را که نهایتاً به تصویب مقامات صالحه کشور نرسیده باشد، فاقد اعتبار تلقی می‌نماید. دیوان بین‌المللی دادگستری (آی سی جی) در رأی ۱۹۲۵ خود در قضیه کمیسیون بین‌المللی ساحل ادر در مورد التزام لهستان به کنوانسیون بارسلون ۱۹۲۱ راجع به کشتیرانی در رودخانه‌های مرزی که بر اساس ماده ۳۲۸ عهدنامه صلح ورسای ۱۹۱۹ تدوین یافته بود، اظهار نظر کرده که طبق ماده ۳ آن، کنوانسیون مذکور بایستی به تصویب دولت‌های خصوصی برسد، در صورتی که فقط لهستان آن را امضا نموده و متعاقباً از تصویب آن امتناع ورزیده است. بنابراین کنوانسیون برای لهستان فاقد قوه الزام‌آوری خواهد بود. از طرفی امتناع پارلمان از تصویب یک معاهده باعث بی‌اعتباری معاهده مزبور خواهد شد. مانند امتناع پارلمان نروژ از تصویب الحاق این کشور به معاهده رم ۱۲۷۵ که موجب شد این کشور بر عضویت جامعه اقتصادی اروپا درنیاید و همچنین مخالفت مجلس شورای اسلامی با ادامه عضویت ایران در شورای ورزشی ارتش‌های جهان که موجب خروج ایران از سازمان مزبور گردید.

۸- چگونگی تصویب معاهده در مجلس شورای اسلامی

بر اساس اصل ۷۷ قانون اساسی: «عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسند.»



اصل ۷۷ قانون اساسی از میان توافقی های بین المللی، چهار واژه «عهدنامه، مقاوله نامه، قرارداد و موافقت نامه» و اصل ۱۲۵ نیز پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی را قابل ارائه و قابل تصویب در مجلس شورای اسلامی شناخته است. (هاشمی، محمد، حقوق اساسی ایران) از آنجا که قرارداد بین المللی عبارت است از تعهدی که برای خرید یا هرنوع تعهد دیگری در مورد انتقال کالا یا خدمات یا غیره، بین دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی یا سازمان دولتی در دو کشور مختلف منعقد می شود، چون این گونه قراردادها مشمول مقررات قانون مدنی یک یا چند کشور معین می باشند و ارتباطی به حاکمیت دولت ندارند؛ لذا معاهده محسوب نشده و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی گردند.

با این وصف، در خصوص تصویب آن ها در مجلس، آراء مختلفی ارائه شده و شورای نگهبان به عنوان مرجع رسمی برای تفسیر قانون اساسی، نظرات مختلفی ارائه کرده است.

از یکی از عبارات شورای نگهبان استنتاج می شود که بررسی و تصویب کلیدی قراردادهای بین المللی را طبق اصل ۷۷ بر عهده مجلس شورای اسلامی دانسته و آن را ضروری می شناسد، زیرا گفته است: «بدیهی است قراردادهایی که بر مبنای این موافقت نامه منعقد می شود و طبق اصل ۷۷ قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارد، به موقع به تصویب مجلس خواهد رسید.»

در این جا کاملاً واضح است که کلمه قرارداد در این جمله، مطلق توافق بین المللی را مدنظر داشته و نه قراردادهای بین المللی به معنای حقوقی. بر این اساس هیچ گونه ضرورتی به بررسی و تصویب قراردادهای بین المللی توسط مجلس شورای اسلامی نمی باشد.

شورای نگهبان در نظریه شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۸/۱۶ گفته است: «اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵، از قراردادهایی که برای انجام معامله بین وزارت خانه ها و سایر سازمان های دولتی ایران و شرکت های خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند، منعقد می گردد، منصرف است و موارد خاص این گونه قراردادها در صورتی که ضوابط کلی آن به موجب قانون عادی تعیین شده باشند، نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارند، ولی قانون عادی می تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز به طور محوری، موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نماید.»

به اختصار می توان چنین نتیجه گیری کرد:

۱) انعقاد قراردادهای بین المللی چون اصولاً از اعمال اجرایی و اداری با تجار و ارباب صنایع و تشکیلات اقتصادی خارجی است، مشمول اصل ۷۷ نمی گردد، ولی این امر مانع از آن نیست که قوه



مقننه از دولت در مورد نحوه یک قرارداد خارجی و انجام یک معامله با طرف‌های خارجی توضیح بخواهد. (اصل ۷۶ قانون اساسی) چنانچه ضوابط قانونی در معامله رعایت نگردیده یا از حدود صلاحیت‌های قانونی تعدی شده باشد، با طرح مسئولیت مقامات اجرایی، احیاناً اعتبار قرارداد را مورد تردید قرار می‌دهد.

۲) در برخی موارد مهم، به لحاظ اهمیت و اثرات آن به شئون اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، تصویب آن‌ها از طرف مجلس ضروری می‌باشد.

در تصویب پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی این سؤال مطرح می‌شود که آیا هرگونه عضویت ایران در مجامع، سازمان‌ها، تشکیلات یا فعالیت‌های بین‌المللی مشمول این قاعده می‌باشد و نیاز به تصویب مجلس دارد یا فقط برخی از این عضویت‌ها موقوف به طی آن مراحل و تشریفات معاهدات رسمی است؟

بر اساس رویه‌های معمول که از سال‌ها قبل در ایران معمول بوده، اجازه پارلمان برای عضویت در کلیه سازمان‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی کسب می‌شده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تاکنون ادامه داشته است، زیرا در اندیشه مقامات قانون‌گذاری‌ها، هرگونه مشارکت در مجامع و تشکیلات بین‌المللی، یک نوع پیمان بین‌المللی محسوب می‌شود و بنابراین تصویب قوه مقننه ضروری است. مانند قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد سازمان بین‌المللی اندازه‌شناسی، قانون اجازه عضویت مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران و کمیته اروپایی بتن، قانون عضویت رادیو و تلویزیون ملی ایران در اتحادیه رادیو و تلویزیون آسیا و ...

از نظر لغوی همه آنچه که مورد توجه قانون اساسی بوده، پیمان است و نه مطلق هر نوع عضویت و از این گذشته، پیمان مذکور باید مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی باشد و نه هرگونه سازمان یا تشکیلات یا فعالیت‌های بین‌المللی به‌طور عموم. به همین ترتیب، قانون بودجه عمومی ۱۳۶۱ کل کشور در تبصره ۶۷ آن، عضویت ایران در سازمان‌های بین‌المللی را منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی و پرداخت حق عضویت آن‌ها را موقوف به تأیید هیأت وزیران نموده است. متعاقباً قانون متمم بودجه سال ۱۳۶۱ در تبصره ۱۴ خود به‌طور عمومی تری این وظیفه دولت را روشن و برای آن ضرب‌الاجل شش ماهه تعیین نمود.

لایحه تقدیمی ایران راجع به عضویت ایران در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی سرانجام در تاریخ

۱۳۶۵/۱/۲۶ به تصویب مجلس رسید.



سؤال دیگری که قابل طرح می باشد این است که آیا موافقت نامه های فرعی نیاز به تصویب مجلس دارد؟ رویه پارلمانی ظاهر بر این است که مجلس در هر صورتی بایستی توافق جدید را مورد بررسی و تصویب قرار دهد. شورای نگهبان نیز در یک مورد به طور صریح همین نظر را اعلام نمود. (نظر شورای نگهبان راجع به ماده ۱۰ موافقت نامه همکاری فنی و اقتصادی ایران و لیبی مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۳۰)

نظریه شورای نگهبان بر این اساس است که توافق های جدید اگر در چارچوب معاهده اصلی حاصل شده باشد، نیاز به تصویب مجدد ندارد، ولی اگر فراتر از محدوده ای است که در معاهده اصلی پیش بینی شده، لازم است که به عنوان یک معاهده مستقل تلقی شده و تمام تشریفات مندرج در اصول ۷۷ و ۱۲۵ را طی نماید.

۹- روش های تصویب معاهده در مجلس

(۱) ممکن است مجلس به قوه مجریه اختیار تنظیم و تصویب یک معاهده را اعطا نماید. در رژیم سابق این رویه بسیار معمول بود. موافقت نامه فرهنگی ایران و بنگلادش، موافقت نامه همکاری ایران و آمریکا، معاهده از میر که شکل حقوقی سازمان عمران منطقه ای را تنظیم نمود، از این قبیل است.

موافقت نامه مورخ ۱۳۴۳/۸/۲۸ راجع به لغو روابط بین ایران و کشورهای بنلوکس فرانسه در مورد لغو روابط (مبادله یادداشت بین ایران و فرانسه در مورد لغو روابط) که بر اساس اجازه مندرج در تبصره ۴۳ قانون بودجه اصلاحی ۱۳۴۳ توسط هیئت وزیران تصویب گردیده، بر اساس اختیاراتی انجام شده بود که به موجب آن قوه مقننه تصویب معاهده مذکور را به قوه مجریه واگذار نموده بود.

نمونه بارز اعطای وکالت پس از انقلاب اسلامی در جایی است که مجلس شورا اختیار تنظیم و تصویب معاهده با کشور خارجی را به قوه مجریه اعطا نمود. امضای بیانیه الجزایر بین ایران و امریکا در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۲ و در پی آزاد شدن اتباع امریکایی از محل سابق سفارت امریکا در تهران می باشد. بنا به اظهار یکی از اعضای شورای نگهبان تنها مصوبه ای که در طول مدت قانون گذاری مجلس تا به حال به شورای نگهبان ارسال نشده و شورا اظهار نظر نکرده، مصوبات مجلس در مورد شرایط چهارگانه برای آزادی گروگان های امریکایی در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۱ بوده است.

(۲) روش دوم برای تصویب معاهدات که در مجلس شورای اسلامی معمول می باشد به این صورت است که معاهداتی که مورد قبول و امضای نمایندگان دو کشور قرار گرفته و به صورت لوایح دولت تقدیم شده، در مجلس شورا مورد بحث قرار می گیرند.



اصلاح معاهده در مجلس صرفاً جنبه شکلی دارد و مربوط به نحوه نگارش مواد معاهده بین‌المللی است و در بعضی موارد جنبه تغییری دارد و با روح آن مغایرتی ندارد.

۱۰- تصویب معاهدات در مجلس طبق یک آیین ویژه

از مهرماه ۱۳۶۲ که آیین‌نامه جدید داخلی مجلس تصویب و به اجرا گذاشته شده است، رسیدگی مجلس شورای اسلامی نسبت به معاهدات، طبق رویه ویژه‌ای که در مواد ۱۰۸ به بعد مقررات مذکور پیش‌بینی شده است، صورت عملی به خود می‌گیرد. از خصوصیات این روش، طبقه‌بندی معاهدات به معاهدات عادی و معاهدات مهم است و برخلاف لویح مربوط به قوانین داخلی، هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در کلمات معاهده به هنگام تصویب وارد نمی‌شود.

معاهدات عادی یک شوری است که معاهده پس از صحبت دو موافق و مخالف در کلیات و جزئیات هرکدام حداکثر به مدت ۱۵ دقیقه به رأی گذاشته می‌شود، اما معاهدات مهم دو شوری است که در یک شور کلیات با توجه به مواد طبق ماده ۱۱۳ بحث خواهد شد و بر اساس ماده ۱۱۴ آیین‌نامه داخلی مجلس در شور دوم، کمیسیون موارد اعتراض و پیشنهادات نمایندگان و همچنین نظرات خود را مطرح می‌کند و آن‌گاه تنها در مورد موارد اعتراض نمایندگان که به‌طور کتبی و در مهلت مقرر به کمیسیون داده شده باشد، به ترتیب نماینده اعتراض‌کننده و یک مخالف و موافق هرکدام به مدت ۱۵ دقیقه صحبت می‌کند و سپس در مورد وارد بودن یا نبودن اعتراض رأی‌گیری به عمل می‌آید.

به‌طور خلاصه، آیین ویژه تصویب معاهدات که در مواد ۱۰۹ به بعد آیین‌نامه داخلی مجلس بیان گردیده، تنها در موردی قابل اعمال می‌باشد که به پیوست آن متن یک معاهده بین‌المللی که قبلاً به امضای مقاماتی نمایندگان دولت ایران و دولت‌های دیگر رسیده است، ضمیمه شده باشد. معمولاً در انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه از حق شرط نیز استفاده می‌شود.

حسب نظریه خرداد ۱۳۶۳ شورای نگهبان برای شور یک معاهده در مجلس، قبلاً باید متن آن (اعم از آن که معاهده دوجانبه باشد یا چندجانبه) در اختیار کلیه نمایندگان قرار گیرد. برای تسهیل این امر، اخیراً از روشی استفاده می‌شود که به موجب آن در مورد کنوانسیون‌های مفصل و فنی، دولت مبادرت به تهیه گزارش تفصیلی در مورد خصوصیات مقوله‌نامه، آثار نتایج آن و اجمالی از مندرجات نموده و آن‌را در اختیار کمیسیون مربوطه برای مراجعه و استفاده نمایندگان مجلس قرار می‌دهد.



۱۱- تأیید معاهده توسط شورای نگهبان

در قانون اساسی اشاره‌ای به صلاحیت شورای نگهبان نشده، ولی نظر به اصل ۹۴ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان فرستاده شود»، شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ۱۰ روز از تاریخ وصول، از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آن را مغایر ببیند، برای تجدید نظر به مجلس برگرداند. در غیر این صورت، مصوبه قابل اجراست و به جهت عمومیت این اصل و اطلاق عبارت کلیه مصوبات در ابتدای آن، تأیید شورای نگهبان به معاهدات منعقدہ بین دولت ایران و دولت‌های خارجی ضروری می‌باشد. روشی که در ابتدا شورای نگهبان نظرات خود را در مورد معاهدات بین‌المللی اعمال می‌نمود، به صورت تأیید مشروط مندرجات معاهده بود. بدین ترتیب که اگر شورای نگهبان قسمتی از مندرجات معاهده را مغایر موازین اسلامی و قانون اساسی تشخیص می‌داد، در نظریه خود این مطلب را تصریح می‌نمود و بعد به مجلس ارسال می‌کرد و نهایتاً شرط مذکور توسط نخست‌وزیر به وزارت‌خانه ذی‌ربط به ضمیمه معاهده ابلاغ و در روزنامه رسمی منتشر می‌شد و همچون شروطی بر تصویب معاهده از طرف مقامات تقنینی ایران در قبال کشور خارجی محسوب می‌شد. در برخی موارد این نظریات حتی درباره مقدمه معاهده که فاقد حجیت است، مطرح شده یا در مورد مسائل شکلی معاهده از قبیل تاریخ تنظیم معاهده یا راجع به تغییر یکی از مقامات معاهده عنوان گردیده است. به عنوان مثال، شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۲۸۰ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۰ در مورد موافقت‌نامه همکاری اقتصادی، علمی و فنی بین ایران و لیبی به ریاست مجلس چنین اظهار نموده است: «نظر به این‌که در مقدمه عبارت «نظام اقتصادی جهانی نوین» با توجه به عبارات قبل و بعد آن اشعار به نظام سوسیالیزم وارد از لحاظ انطباق با موازین شرعی به تأیید اکثریت فقهای شورا نرسید.»

مثلاً شورای نگهبان در نظریه ۷۵۸۳ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۶ در خصوص موافقت‌نامه مبادلات کالا بین ایران و سوریه برای سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ اعلام نموده است: «نظر به این‌که طبق اصل ۱۷ قانون اساسی مبداء تاریخ رسمی کشور هجرت پیغمبر می‌باشد، بنابراین در اسناد و مکاتبات رسمی دولتی باید تاریخ هجری ذکر شود و عنوان لایحه و بند یک ماده یک لایحه که منحصرأ تاریخ میلادی را ذکر نموده، مغایر با قانون اساسی است، یا مثلاً در موافقت‌نامه بلندمدت بازرگانی بین ایران و پاکستان طبق نظریه شورای نگهبان، خرید خرچنگ و امثال آن منحصر به موارد محاله آن شده است، ولی اخیراً شورای نگهبان همسان



با رویه ویژه‌ای که مجلس شورای اسلامی برای تصویب معاهدات اتخاذ نموده، به جای بیان شروط و قیود خود بر معاهده منعقد، لایحه را به مجلس عودت می‌دهد تا مجلس مواضع مورد اشکال را به دولت تذکر دهد و دولت نیز با مذاکره با کشور خارجی، اقدام به رفع اشکال در متن معاهده نموده و گزارش امر را جهت اتخاذ تصمیم نهایی به اطلاع شورای نگهبان برساند. پس از تأیید معاهده توسط شورای نگهبان، تصویب مقامات قانون‌گذاری انجام و متن معاهده توسط ریاست جمهوری به امضا خواهد رسید.

۱۲- امضای نهایی معاهدات توسط رئیس جمهور

پس از آن‌که معاهده توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، بر اساس نظام داخلی حقوق ایران، موضوع امضای رئیس جمهور مطرح می‌باشد. بر اساس اصل ۲۵ قانون اساسی، امضای عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای مربوط به پیمان‌های اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست. در قانون اساسی ایران اعضای معاهدات توسط رئیس جمهور و چگونگی اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی در چند سال اخیر تحولات و تغییرات مختلفی داشته است. در ابتدا امضای رئیس جمهور همانند ابلاغ مصوبه مجلس به نخست‌وزیر تقدیم می‌گردید و ایشان در حاشیه‌نامه ریاست مجلس که تصویب یک معاهده بین‌المللی را اعلام نموده بود، قید می‌کردند: «به دولت ابلاغ شود، امضای رئیس جمهور» و همین رویه به منزله اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی شناخته می‌شد. سپس بعضی از مسئولان نهاد ریاست جمهوری موضوع امضا توسط اعضای نمایندگی به یکی از وزرا را مطرح کردند.

بالاخره از سال ۱۳۶۳ امضای نهایی معاهدات به صورت تهیه یک فرمان درآمد که در آن تصریح می‌شود با لازم‌الاجرا شدن معاهده موافقت به عمل می‌آید. این سند توسط رئیس جمهور امضا و مهر می‌شود و تنظیم این فرمان به منزله اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی است. در خصوص این‌که امضای رئیس جمهور وظیفه او است یا می‌تواند مانع اجرای معاهده گردد نیز سرانجام قانون تعیین وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری مصوب ۲۲ آبان ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی در ماده ۶ تصریح می‌نماید: «رئیس جمهور یا نماینده قانونی او موظفند عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولت‌ها و همچنین پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی را پس از تصویب مجلس شورای اسلامی امضا نمایند.»



در طرح اولیه این قانون یک ضرب الاجل ده روزه برای اعضای رئیس جمهور پیش بینی شده بود که پس از جلسه علنی مجلس حذف شد. به هر جهت رئیس جمهور موظف است پس از تصویب مجلس، مبادرت به امضای یک معاهده بین المللی نماید. علی رغم این که این رویه مخالف ماهیت امضای معاهدات توسط رئیس جمهور است که در واقع متعهد و ملتزم نمودن کشور ایران در قبال دیگر ممالک جهانی می باشد.

۱۳- تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده

در مورد تعیین تاریخ لازم الاجرا شدن معاهدات دو قاعده وجود دارد:

(۱) حاکمیت اراده و توافق متعاهدان.

(۲) تعیین مبداء لازم معاهده از زمان تعیین قطعی آن و در برخی موارد نیز معاهده قبل از تاریخ قطعی آن به طور موقت لازم الاجرا می گردد. در ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین و کنوانسیون ۱۹۸۶ وین تحت عنوان لازم الاجرا شدن در بند یک تصریح می کند که یک معاهده از تاریخی لازم الاجرا می شود که در آن پیش بینی شده و با کشورهای طرف مذاکره بر آن توافق شده است. بر این اساس، اصولاً متعاهدان خود دامنه شمول التزامات منعقد را تعیین می کنند و قلمرو زمانی تعهدات مزبور یعنی تاریخ لازم الاجرا شدن و تاریخ پایان مندرجات معاهده را نیز خود می توانند تعیین کنند. اعم از این که در متن معاهده و هم زمان با تنظیم آن، این کار انجام شده باشد یا این که بعداً بر این امر توافق کنند.

در معاهدات دو جانبه ممکن است استثنائاً روز لازم الاجرا شدن توافق در متن قید شده باشد، مانند موافقت نامه درباره لغو روادید بین ایران و مراکش که از روز اول مارس ۱۹۶۷ لازم الاجرا می شد.

در برخی معاهدات، تاریخ امضای مقدماتی به عنوان مبداء لازم الاجرا بودن معاهده تعیین می گردد که در این صورت در معاهدات رسمی جنبه موقتی داشته تا پس از تصویب به طور رسمی قطعیت یابد. در مقابل موارد استثنایی فوق، رویه عمومی معاهدات رسمی این است که از تاریخ اتمام تشریفات مقرر در قانون اساسی، مندرجات معاهده لازم الاجرا می گردد. در این صورت بر حسب مورد ممکن است بلافاصله از زمانی که تصویب شده به یکدیگر اطلاع داده شود (مانند ماده ۱۶ موافقت نامه ایران و فرانسه راجع به حمل و نقل هوایی مورخ ۱۳۳۹/۲/۱) یا از تاریخ مبادله اسناد تصویب یعنی امضای صورت جلسه تبادل اسناد مذکور، مندرجات آن لازم الاجرا گردد. مانند ماده ۱۶ موافقت نامه فرهنگی و هنری بین ایران و الجزایر مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۲ یا ۱۳۶۰/۱۱/۲۶. این موافقت نامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب طبق تشریفات معمولاً در هریک از دو کشور لازم الاجرا خواهد شد.



در پاره‌ای از معاهدات، تاریخ تصویب، مبداء اعتبار معاهده شناخته شده است، مانند عهدنامه و تأمینیه بین ایران و افغانستان مورخ ۱۶ آذر ۱۳۰۶. در بعضی معاهدات نیز از تاریخ وصول دومین ابلاغیه‌ای که حاوی سند تصویب معاهده باشد، مقررات آن لازم‌الاجرا خواهد شد. مانند ماده ۸ موافقت‌نامه جهانگردی بین ایران و سوریه مورخ ۱۳۶۳/۵/۱ و ماده ۱۲ موافقت‌نامه جهانگردی بین ایران، ترکیه و پاکستان مورخ ۸ اکتبر ۱۹۶۴ در تهران که به انگلیسی تنظیم و در ۱۳۴۴/۱۰/۱۸ به تصویب رسیده است و با تعیین مهلتی بیشتر برای این کار، مبداء اجرایی معاهده را چند روز یا چند هفته پس از مبادله اسناد تصویب، تعیین می‌نماید. این رویه در خصوص معاهدات مهم مانند عهدنامه اقامت و تجارت و مانند آن آثار حقوقی متعددی برای اتباع طرفین ایجاد می‌کند.

مانند موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری بین ایران و آلمان فدرال مورخ ۱۳۴۴/۸/۲۰ مصوب ۱۳۴۶/۳/۱ که تاریخ اجرا را یک ماه پس از مبادله امضا و تاریخ اعتبار را یک ماه پس از مبادله نسخ مصوبه اعلام داشته است.

برخی معاهدات عملاً سال‌ها پس از امضای نمایندگان دو دولت مورد تصویب مقامات صالحه قرار گرفته و متعاقباً هم مبادله اسناد آن انجام شده است، مانند پروتکل شرح ناحیه تلاقی سرحدات ایران، افغانستان و شوروی مورخ ۱۳۲۷/۴/۹ که در سرخس به امضا رسیده و در سال ۱۳۳۷ اسناد تصویب مبادله شده است. در پاره‌ای موارد به لحاظ ضرورت رعایت تشریفات تصویب و فوریت در اجرای معاهده، متعاهدین متحد می‌شوند در مهلت معین اقدام به مبادله اسناد تصویب نموده و بلافاصله آن‌را به مورد اجرا گذارند. مانند ماده ۱۲ عهدنامه مودت ایران و افغانستان مورخ اول سرطان ۱۳۰۰ که سه ماه مدت از تاریخ امضا را معین کردند یا حداقل در اسرع وقت تشریفات قانونی را اجرا کنند. مانند ماده ۱۵ موافقت‌نامه کمیاران سرحدی بین ایران و افغانستان مورخ ۵ تیر ۱۳۵۵ که پانزده روز پس از مبادله اسناد مصوب به موقع به اجرا گذاشته می‌شود.

در معاهدات دوجانبه این‌گونه کنوانسیون‌ها که اکثراً به منزله قوانین موضوعه در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شوند با شرایط سهل‌تری لازم‌الاجرا می‌گردند و متن آن‌ها معمولاً فقط با تصویب تعداد محدودی از کشورها که تعداد و احیاناً مشخصاتشان از قبل در کنوانسیون پیش‌بینی شده رسمیت می‌یابد. برای مثال، طبق مندرجات، کنوانسیون‌های چهارگانه صلیب سرخ مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو ۶ ماه پس از آن‌که لااقل دو سند تصویب تسلیم گردید، اعتبار خواهد داشت، یا مانند کنوانسیون تأسیس سازمان



یونسکو مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۶ که لازم الاجرا شدن آن منوط به این شد که ۲۰ کشور اسناد تصویب خود را تعیین نمایند.

در برخی کنوانسیون ها تنها تعداد کشورها که اسناد خود را تودیع نموده باشند، ضابطه لازم الاجرا شدن نیست، بلکه باید واجد بعضی ویژگی های پیش بینی شده باشند. مانند ماده ۱۱۰ منشور سازمان ملل متحد که لازم الاجرا شدن آن را موقوف به تودیع اسناد تصویب ۵ عضو دائمی شورای امنیت و اکثریت دولت های امضا کننده است یا در صندوق بین المللی پول لازم الاجرا شدن آن را منوط به تصویب حداقل ۹۰ کشور که مقدار پذیره نویسی سهامشان در صندوق جمعاً دو سوم سرمایه پیش بینی شده در مقررات بالغ گردد، نموده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نتیجه‌گیری

در این مقاله، به نوعی یک واکاوی در خصوص چگونگی تصویب معاهدات در نظام حقوقی ایران پرداخته شده است. در تمامی سیستم‌های حقوقی چه نظام کامن‌لا یا آنگلو ساکسون و رومی ژرمنی یا همان حقوق نوشته، هر کدام به خودی خود آیین و کارویژه مختص به خود را دارا هستند. در ادامه نیز به این موضوع پرداختیم که معاهده چیست و اساساً ساز و کار حقوقی قانونی شدن یک معاهده در نظام حقوقی ایران به چه سیاقی می‌باشد. همچنین چه معاهداتی نیاز به تصویب دارند و اساساً آیین تصویب از کجا شروع می‌شود و به کجا می‌انجامد و صرف انعقاد یک معاهده دوجانبه یا چندجانبه با همه‌جانبه یا الحاق به یک کنوانسیون بین‌الدولی یا مرعی دانستن یک قاعده آمره بین‌المللی و معاهدات قانون‌ساز صرفاً با امضا به شکل تقنین در حقوق داخلی در نمی‌آیند. سپس در ادامه مطلب، چالش‌های تصویب نیز بررسی شد. مثلاً اگر مجلس معاهده‌ای را تصویب می‌کرد، ولی شورای نگهبان آن را رد می‌کرد، تکلیف چه بود و در این حالت آیا مجمع تشخیص مصلحت نظام مانند پروسه تصویب قوانین داخلی ورود می‌کرد یا نه. همچنین در ادامه، گریزی اجمالی به آثار تصویب معاهدات نسبت به قوای حکومتی زده شد و درخاتمه زمان لازم‌الاجرا شدن یک معاهده بین‌المللی از زمان تصویب، با توجه به کارویژه اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی و این‌که یک معاهده چه زمانی و منطبق بر چه آیینی در حقوق ایران لازم‌الاجرا می‌شود، به بررسی گذاشته شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران».
۲. «قانون مدنی».
۳. محمد، هاشمی (۱۴۰۰)، «کتاب حقوق اساسی ایران»، نشر میزان، چاپ ۳۱.
۴. بیگدلی، محمدرضا (۱۴۰۰)، «کتاب حقوق بین الملل عمومی»، نشر گنج دانش، چاپ ۷۱.
۵. بیگزاده، ابراهیم، «جزوه تقریرات حقوق بین الملل عمومی»، دانشگاه تهران.
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹)، «کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی»، نشر میزان.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، «کتاب کلیات حقوق»، نشر میزان، جلد دوم.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، «کتاب مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران»، نشر گنج دانش.
۹. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، «ترمینولوژی حقوق»، نشر گنج دانش، چاپ ۱۸.
۱۰. لغت نامه دهخدا».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی